

# دریچه‌ای به تاریخ نگاری یونان باستان

احمد فضل‌ی نژاد

فراوان دیده می‌شود.  
از دیدگاه نویسنده، علاوه بر نفوذ هومر عنصر مهم دیگری که بر بیدایش تاریخ در یونان باستان تأثیر نهاد، فلسفه بود. در واقع فلاسفه پیش از سقراط برای نخستین بار با نگاهی تازه به جهان و عدم پذیرش ساده باورهای پیشین، در گشودن راهی که مورخان نیازمند آن بودند، کمک فراوان کردند. در این زمینه، نویسنده تالس ملطی

کتاب حاضر بررسی فشرده‌ای از سرگذشت تاریخ نگاری و زندگی مورخان یونانی از هرودوت (حدود ۴۸۴ - ۴۲۵ ق. م) تا پولی بیوس (حدود ۲۰۰ - ۱۱۸ ق. م) را ارائه می‌دهد.

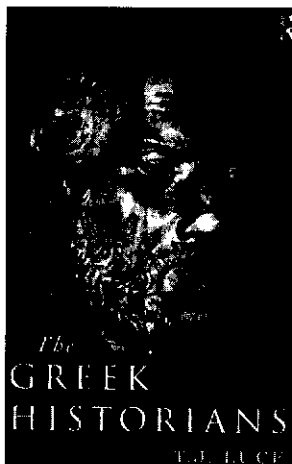
مقایسه آثار این مورخان، ویژگی‌های برجسته آنها و ارتباط آنها با جهان خارج به ویژه رویدادها و جنگ‌های مهم عصر باستان، از جمله نکات مورد توجه نویسنده کتاب است.

نویسنده T. J. Luce استاد ممتاز تاریخ باستان در دانشگاه پرینستون (Princeton)، در مقدمه بسیار مختصر این کتاب، هدف از نگارش آن را تهیه اثری مفید برای دانشجویان رشته تاریخ در سال اول مقطع لیسانس برای آشنا ساختن آنها از نخستین مورخان جهان باستان و تحولات تاریخ نگاری آن دوران معرفی نموده است. کتاب، علاوه بر مقدمه، شامل ۷ فصل، سخن آخر نویسنده و فهرستی از منابع برای مطالعه بیشتر و در نهایت فهرست راهنما است. فصول هفتگانه کتاب و موضوعات آن به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند:

## فصل اول: پیش از تاریخ

نویسنده فصل نخست را با این موضوع

آغاز می‌کند که «تاریخ» سرچشمه اصلی خود را به هومر (Homer) مدیون است. هرودوت (Herodotus) که «پدر تاریخ» لقب گرفته، در حدود چهار قرن بعد از هومر، و پس از آنکه شعر حماسی و بزمی، فلسفه، تراژدی و کمدی رواج یافت، به نگارش تاریخ پرداخت. از این رو مورخان کلاسیک نظیر هرودوت و توسیدید (Thucydides)، هم موضوع اصلی و هم شیوه کار خود را مستقیماً از هومر گرفتند. در ایلیاد (Iliad) هومر، موضوع اصلی جنگ است. هم چنان که موضوع اصلی برای هرودوت جنگ‌های ایران و یونان و برای توسیدید جنگ‌های پلوپونز (Peloponnesian) می‌باشد. این مورخان در شیوه تاریخ نگاری نیز به هومر تأسی جستند. چنانکه نوشته‌های آنها مانند اشعار حماسی هومر اساساً نقل رویدادها هستند. اغلب با جزئیات و گزارش‌ها و خطابه‌هایی که در آثارشان



O The Greek Historians  
O Athure: T.J. Luce  
O Publisher: Routledge, London and NewYork, ۱۹۹۷

اثر هرودوت، همچنان تاریخ ایران و یونان در کنار هم نقل می‌شود. چنانکه کتاب هفتم، هشتم و نهم به نبردهای خشایارشا با یونانی‌ها مربوط است. پایان کتاب هرودوت به رهایی پیروزمندان شهرهای یونانی از کنترل پارس‌ها، اختصاص دارد.

نویسنده با اذعان به اینکه اطلاعات اندکی از زندگی هرودوت در دست است، در عین حال همین مختصر آگاهی را برای درک یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هرودوت یعنی دیدگاه جهان‌گرایانه وی کافی می‌داند.

هرودوت اهل هالیکارناس (Halicarnassus) بود. یعنی شهری که از عناصر پارسی، ایونی و فرهنگ‌های غیر یونانی ترکیب یافته بود. از این رو به عقیده نویسنده، جهان‌گرایی هرودوت و گشاده رویی‌اش بر فرهنگ‌های بیگانه ممکن است. به طور زیادی مدیون موقعیت جغرافیایی محل زندگی‌اش باشد.<sup>۲</sup>

نویسنده، همچنین مهم‌ترین بخش زندگی هرودوت را مسافرت‌های او می‌داند که به بسیاری از نقاط از جمله شرق مدیترانه و دریای سیاه، لیدیه، فنیقیه، مصر و... رفته و آن نقاط را دیده بود. این سفرها از نظر نویسنده، جزو منابعی می‌باشند که هرودوت برای نوشتن تاریخ خود از آن بهره‌های فراوان برد. ضمن اینکه تعدادی از منابع پارسی را نیز در شمار آثار مورد استفاده هرودوت بر می‌شمارد. به ویژه منابع رسمی چون فهرست امور مالیاتی داریوش اول و آمار نیروها و کشتی‌هایی که خشایارشا از آسیا به اروپا آورده بود.

بر این اساس مهم‌ترین بخش تاریخ هرودوت را برخوردهای بین ایران و یونان تشکیل می‌دهد. این برخوردها در ابتدا نظامی نبوده و پس از آن نیز برخورد اساسی‌تر و مهم‌تر، تضاد فرهنگی، برتری ارزش‌ها و فهم یا عدم فهم از یکدیگر می‌باشد.<sup>۵</sup>

نویسنده معتقد است که از نظر هرودوت برخورد میان ایران و یونان، برخورد پادشاهی شرقی مطلق آیینی و یکه سالاری در برابر آزادی می‌باشد.<sup>۶</sup>

#### فصل سوم: پدر تاریخ

شرح شایستگی هرودوت برای عنوان «پدر تاریخ»، توضیحات فصل سوم را دربرمی‌گیرد. نویسنده با ذکر این نکته که سیسرو (Cicero) سیاستمدار رومی نخستین کسی بود که هرودوت را به عنوان پدر تاریخ معرفی کرد، اذعان می‌دارد که ظاهراً هیچ کس در عهد باستان با اعطای این لقب مخالفتی نداشته است.<sup>۷</sup>

(Thales of Miletus) را که کسوف ۲۸ مه ۵۸۵ ق. م. - همزمان با جنگ بین ماد و لیدیه - را پیش بینی کرده بود و هرودوت آن را نقل کرده، مثال می‌زند. مهم‌ترین تأثیرات فلسفه بر تاریخ نگاری یونان باستان از دیدگاه نویسنده عبارتند از:

تفکر انتقادی و تحلیلی، مشاهده و جستجو در جهان پیرامون، دیدگاه فراگیر از جهان آفرینش و در نهایت علاقه به پدیده تغییر و دگرگونی.<sup>۸</sup>

#### فصل دوم: هرودوت و تاریخ

در این فصل نویسنده به تقسیمات کتاب «تواریخ» هرودوت و ویژگی‌های آن پرداخته و علاقمندی هرودوت را به موضوعات مربوط به ایرانیان مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده، تقسیم اثر بزرگ هرودوت به ۹ کتاب را نه کار خود وی بلکه به احتمال کار دانشوران کتابخانه بزرگ اسکندریه در قرن سوم قبل از میلاد می‌داند.<sup>۹</sup>

کتاب اول مربوط به تأسیس سلسله هخامنشی، با تکیه بر زندگی کوروش و شکست کرزوس (Croesus) پادشاه لیدیه و کنترل شهرهای یونانی آسیای صغیر توسط پارس‌ها می‌باشد.

با این حال در سایر بخش‌های نه گانه

**از نظر مولف دو عامل اساسی :  
یکی نفوذ هومر و دیگر فلسفه  
تأثیر اساسی بر پیدایش تاریخ در  
یونان باستان بر جای نهاد**

**به عقیده نویسنده کتاب مورخین یونانی  
مهم ترین تأثیرات فلسفه بر تاریخ نگاری  
یونان باستان؛ تفکر انتقادی و تحلیلی،  
مشاهده و جستجو در جهان پیرامون،  
دیده ها فراگیر از جهان آفرینش و  
در نهایت علاقه به پدیده تغییر و دگرگونی بود**

نویسنده سپس اظهار می‌دارد که در عهد باستان مردم تفاوتی میان اسطوره‌ها و افسانه‌ها با تاریخ قائل نبودند، به طوری که امروزه هم بسیاری این گونه‌اند. اما این هرودوت بود که تمایز مشخصی میان افسانه و تاریخ قائل گردید. از این رو هرودوت شایسته عنوان «پدر تاریخ» قلمداد می‌شود.

از نظر نویسنده عامل دیگری که هرودوت را شایسته‌تر از دیگر مورخان باستانی قرار می‌دهد، این است که با آنکه تعداد زیادی از مورخان در یونان و روم به نگارش و شرح تاریخ پرداختند اما بندرت آنها همتای روح جهان‌گرایی هرودوت بودند.<sup>۸</sup>

وی با ذکر این دیدگاه پلوتارک (Plutarch) که هرودوت را دوستدار بربرها (Barbarian Lover) خوانده است، وسعت نظر و تا حدودی بی‌طرفی هرودوت را در مقایسه با تعصبات رایج دلیل آن می‌داند: «بیشتر مورخان باستان، علاقمند به نقل تاریخ مردم خود - خواه یونانی یا رومی - بوده و با وطن‌پرستی کوتاه‌نظرانه‌ای عمل می‌کردند. آنها اندک آگاهی یا علاقه‌ای نسبت به اقوام دیگر داشتند. هرودوت در میان این مورخان استثنای پرفروغی است. او می‌دید که چگونه امپراتوری‌های بزرگ شرق یعنی مصر، آشور، بابل و ایران در یک جریان بزرگ تاریخی قرار گرفتند. از این رو با آنکه وی از نقطه نظر یک مورخ یونانی و برای یونانی‌ها می‌نوشت، با این حال علاقمند به سرزمین‌ها، آداب و رسوم و تاریخ آن کشورها بود.»<sup>۹</sup>

**فصل چهارم: توسییدید (موضوع و روش)**

شرح احوال و آثار توسییدید و بررسی روش کار وی، موضوع فصل چهارم کتاب می‌باشد. به عقیده نویسنده، با آنکه توسییدید در حدود بیست و پنج سال پس از هرودوت متولد گردید، با این حال آثار آن دو چنان متفاوت از یکدیگرند که گویی چندین نسل با هم فاصله دارند. دلیل این تفاوت مربوط به دگرگونی‌هایی است که در همان بیست و پنج سال به نظر نویسنده بر جهان یونانی گذشت، که تبدیل آتن به امپراتوری بزرگ دریایی و تحولات در دموکراسی آتن از جمله آنهاست.<sup>۱۰</sup>

اثر توسییدید یعنی **تاریخ جنگ‌های پلوپونز** که از ۴۳۱ تا ۴۰۴ ق. م. طول کشیده، ناتمام مانده و در کتاب هشتم در سال ۴۱۱ ق. م. پایان می‌یابد. ظاهراً توسییدید به ناگهان از دنیا رفته است.

از جمله موضوعات مهم این فصل علاوه بر شرح زندگی و تحلیل کار توسییدید، مقایسه او با هرودوت و بیان تفاوت‌های آن دو است. نویسنده بخشی از تفاوت‌های آن‌ها را در این می‌داند که توسییدید به عمد خود را از هرودوت جدا کرده و تلاش نموده تا دستور کار خویش را برتر جلوه دهد.<sup>۱۱</sup>

از نظر نویسنده بزرگ‌ترین تفاوت بین این دو مورخ به حوزه دید و کانون تفکر آنها مربوط می‌باشد. موضوع اصلی هرودوت و محور کار او یک موضوع وسیع و بیرون از اندیشه محدود دسته‌ای از یونانی‌هاست. یعنی ظهور و خیزش امپراتوری پارس. و در این موضوع علاقه به نقل رویدادهای دیگر در کنار مبحث اصلی، ویژگی برجسته‌ای به اثر وی داده است. در حالی که کانون توجه توسییدید جنگ‌های داخلی یونان است و در شرح آن نیز اندک گریزی به موضوعات دیگر دارد. ثبت تاریخ دقیق رویدادهای جنگ ویژگی مهم کار اوست.<sup>۱۲</sup>

به عقیده نویسنده بزرگ‌ترین انتقاد بر توسییدید، مربوط به مسائلی است که وی در نقل آنها کوتاهی کرده است. به عنوان مثال هرگز در مورد شکوفایی تمدن آتن در قرن پنجم ق. م. اشاره‌ای ندارد. ضمن اینکه عوامل مهمی را که در وقوع جنگ پلوپونز موثر واقع شدند یا به هیچ وجه بیان نکرده و یا با اشارات اندکی از کنار آن گذشته است.<sup>۱۳</sup>

**فصل پنجم: توسییدید (علم و تراژدی)**

فصل پنجم کتاب، از زاویه‌ای دیگر به اثر توسییدید و شیوه کار وی

می‌پردازد. نویسنده معتقد است که توسییدید به تنهایی از بین مورخان باستان عنوان «علمی» را از مورخان جدید دریافت کرده است. دقت روشفکرانه و وجود شواهد باریک بینانه فراوان در اثر وی می‌تواند دلیل مناسبی برای کسب این عنوان باشد.<sup>۱۴</sup>

نویسنده سپس به شرح تحولاتی که در حوزه فلسفه تاریخ روی داده پرداخته و می‌نویسد: طی زمان‌های طولانی به ویژه در قرن نوزدهم و نیمه نخست قرن بیستم، اندیشمندان و دانشجویان تاریخ، پیروی از یک الگوی علمی را در تاریخ زمانی میسر می‌دانستند که بر مبنای تلاش بی‌طرفانه برای کشف حقیقت و فراوانی اخبار و اطلاعات بوده باشد. در حالی که امروزه به طور عموم نظر بر این است که تاریخ نه به عنوان یک وجود مستقلی که کشف شود، بلکه به عنوان آفریده مورخ و اینکه هر مورخی می‌تواند دیدگاهی متفاوت از دیگری داشته باشد مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۱۵</sup>

با توجه به تراژدی جنگ پلوپونز و ویرانگری وحشتناک آن که تقریباً یک نسل ادامه یافت و بیشتر جهان یونانی را به کام خود کشید، نویسنده به تحلیل توسییدید از این جنگ پرداخته و به مقایسه آن با آثار هومر و هرودوت دست می‌زند. از نظر وی، توسییدید از آن رو جنگ پلوپونز را بزرگترین رویداد شناخته شده در جهان یونانی معرفی می‌کند که خود را در رقابت با هومر و هرودوت قرار دهد. در واقع او می‌خواست ثابت کند که جنگ پلوپونز که موضوع اصلی کار اوست، بزرگ‌تر و ویران‌گتر از جنگ تروا یا جنگ پارس‌ها، است. یعنی جنگ‌هایی که کانون توجه هومر و هرودوت بوده‌اند.<sup>۱۶</sup>

**فصل ششم: تاریخ نگاری قرن چهارم ق. م. و عصر یونانی مابین (Hellenistic)**

در این فصل نویسنده به مطالب متنوعی می‌پردازد که در جهان یونانی قرن چهارم ق. م. و دوره پس از اسکندر مقدونی روی داد.

یکی از مورخان که در این فصل به شرح حال و آثار وی پرداخته شده، گزنفون (Xenophon) می‌باشد. نویسنده معتقد است که در میان خیل عظیم مورخان باستانی، گزنفون از جهاتی دیگر محبوبیت گسترده‌ای کسب کرده است. از جمله به تنوع نوشته‌ها، به ویژه آثار فلسفی او اشاره دارد. مشهورترین اثر وی تربیت گورش داستانی تخیلی و تاریخی است که در آن موسس امپراتوری ایران به عنوان نمونه آنچه حاکم ایده آل باید باشد، مجسم شده است.<sup>۱۷</sup>

چهارساله دیگر می‌پرداخت.

پولیویوس می‌خواهد در کتاب خویش به یونانی‌ها نشان دهد که موفقیت روم به مقدار زیادی مدیون آیین‌ها و نهادهای تحسین برانگیز آن بوده و از این رو کل کتاب ششم را به این موضوع اختصاص داده است.<sup>۳۳</sup>

نتیجه:

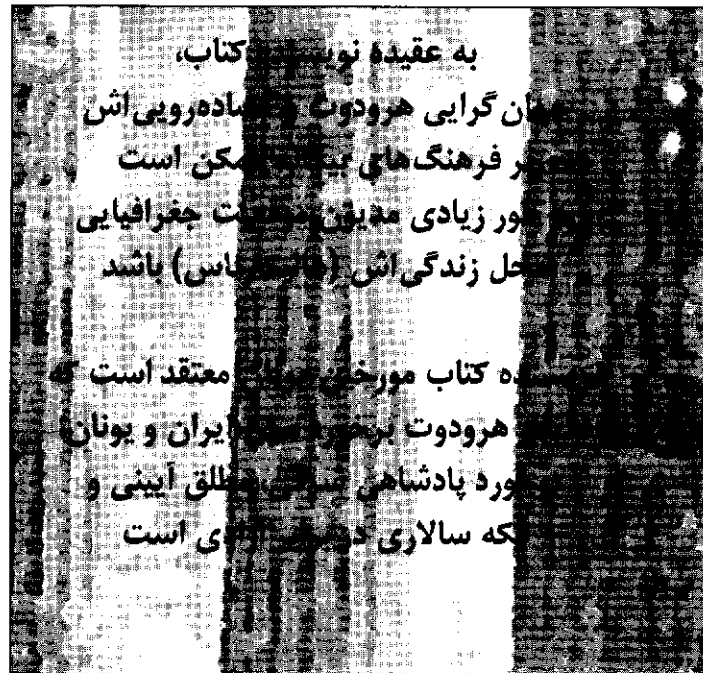
نویسنده در سخن آخر خود، نکات قابل توجهی را ذکر می‌کند. از جمله اینکه بیشتر مورخانی که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند - به ویژه هرودوت، توسیدید، گزنفون و پولیبیوس - در دورانی از زندگی خویش، تبعید یا جدایی از محل اقامت خود را تحمل کرده‌اند. ضمن اینکه همه آنها درگیر مسائل سیاسی بوده و به دلایل سیاسی مجبور به ترک شهرهای خود شدند. نکته قابل تأمل از نظر نویسنده کتاب این است که تقریباً همه مورخان یونانی تا روزگار پولیبیوس، گزارشگر تاریخ معاصر یا نزدیک به معاصر بودند. یعنی رویدادهایی را که در روزگار خود آنها یا یک نسل قبل از آنها اتفاق افتاده بود، به نگارش در آوردند.

بعد از پولیبیوس اهمیت تاریخ‌نگاری معاصر رو به کاهش نهاد. به عقیده نویسنده عامل مهم آن را باید در حاکمیت استبدادی پادشاهان عصر یونانی مآبی و امپراتوران رومی جستجو کرد که انتقاد و نکته‌سنجی‌های مورخان هم‌روزگار خود را بر نمی‌تابیدند.<sup>۳۴</sup>

کتاب، از آنجا که بررسی تحلیلی فشرده و در عین حال جامعی از نخستین مورخان باستان و تحولات تاریخ‌نگاری آن دوران ارائه داده، برای دانشجویان و علاقمندان تاریخ در کشور ما نیز می‌تواند به عنوان اثری قابل توجه، مورد استفاده قرار گیرد. ضمن اینکه به نظر می‌رسد ترجمه آن به زبان فارسی تلاش ارزشمندی به شمار خواهد آمد.

پی نوشت‌ها:

- ۱- کتاب حاضر، ص ۳.
- ۲- همان، ص ۹.
- ۳- همان، ص ۱۵.
- ۴- همان، ص ۱۹.
- ۵- همان، ص ۳۴.
- ۶- همان، ص ۲۵.
- ۷- همان، ص ۳۶.
- ۸- همان، ص ۵۹.
- ۹- همان، ص ۵۹.
- ۱۰- همان، ص ۶۰.
- ۱۱- همان، ص ۶۸.
- ۱۲- همان، ص ۶۹.
- ۱۳- همان، ص ۶۹.
- ۱۴- همان، ص ۸۰.
- ۱۵- همان، صص ۸۰-۸۱.
- ۱۶- همان، ص ۹۸.
- ۱۷- همان، ص ۹۹.
- ۱۸- آناباسیس واژه‌ای یونانی و معنی «به سوی بالا» می‌دهد. زیرا یونانی‌ها حرکت از دریا به خشکی را «آناباسیس» و از خشکی به دریا را «کاتاباسیس» می‌خواندند. با این حال مورخان اروپایی این کتاب را به «بازگشت ده هزار نفری» تعبیر کرده‌اند.
- ۱۹- همان، ص ۱۰۴.
- ۲۰- همان، ص ۸-۱۰۷.
- ۲۱- همان، ص ۱۱۰.
- ۲۲- همان، ص ۱۲۳.
- ۲۳- همان، ص ۱۲۶.
- ۲۴- همان، ص ۱۴۴.



دو اثر تاریخ دیگر گزنفون یعنی آناباسیس (Anabasis) یا بازگشت ده هزار نفری<sup>۳۵</sup> و هلنیکا (Hellenica) یا تاریخ یونان از دیگر نوشته‌های وی است که نویسنده به تحلیل آنها پرداخته است.

از ویژگی‌های برجسته‌ای که گزنفون را در میان همه مورخان باستان بی‌نظیر ساخته، اخلاق نویسندگی او می‌باشد. زیرا وی با هیچ مورخی سر جدال نداشته و ستیزه‌جویی و دروغ‌گویی و نسبت دادن اتهام به دیگران که رسم معمول مورخان بود، در آثار گزنفون دیده نمی‌شود.<sup>۳۶</sup>

نویسنده در این فصل به تحولاتی که در تاریخ‌نگاری قرن چهارم ق. م. و پس از اسکندر روی داد، می‌پردازد. به عقیده وی روابط پیچیده امپراتوری‌های پراکنده و دوردست - جانشینان اسکندر - موضوع اصلی نوشتن تاریخ گردید. در این دوران وجود سلاطین مستبد تأثیرات متفاوتی بر تاریخ‌نویسان بخشید. کالیستنس (Callisthenes) از جمله مورخانی است که به عنوان خوشاوند ارسطو و معلم اسکندر و نویسنده اثر ده جلدی که تاریخ یونان را از ۳۸۷ ق. م تا ۳۵۷ ق. م. پوشش می‌دهد، تصویری اغراق‌آمیز از اسکندر ارائه داده و به عنوان مثال شرح می‌دهد که چگونه امواج دریا، در برابر اسکندر خود را فروانداخته و عقب نشینی می‌کردند، یا چگونه کلاغان وی و همراهانش را در دل بیابان‌های مصر راهنمایی می‌نمودند.<sup>۳۷</sup>

تحولات دیگری که در تاریخ‌نگاری این دوران رویداد و نویسنده به آنها پرداخته، عبارتند از: ظهور نوعی تاریخ‌نویسی بر مبنای تربیت اخلاقی افراد، شرح حال‌نویسی و نیز گرایش به تاریخ محلی با اغراق‌گویی‌هایی میهن‌پرستانه.

#### فصل هفتم: پولیبیوس (Polybius)

شرح حال و آثار پولیبیوس و موفقیت زمانی وی موضوع آخرین فصل کتاب می‌باشد. پولیبیوس تاریخی از جهان مدیترانه‌ای را در چهل کتاب نوشت که دوره ۲۶۴ - ۱۴۵ ق. م. را شامل می‌گردید. دو کتاب نخست وی بعنوان «معرفی مقدماتی» است و به جنگ‌های روم و کارتاژ می‌پردازد. مباحث اصلی وی از کتاب سوم آغاز می‌شود که موضوع مرکزی آن گسترش روم به طرف شرق و غرب می‌باشد.<sup>۳۸</sup>

نویسنده شیوه کار پولیبیوس را بدین طریق می‌داند که وی کتاب سوم خود را به طور منظمی بر اساس بازی‌های المپیک نوشته است. یعنی تمام رویدادهایی را که در مدت چهار سال تا شروع المپیک بعدی اتفاق می‌افتاد، به نگارش در آورده و سپس با آغاز المپیک به رویدادهای پس از آن تا دوره